

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

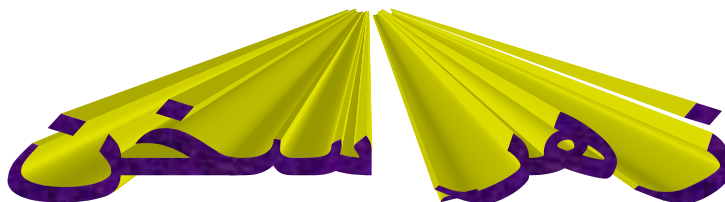
Satire

طـنـز

نعمت الله مختارزه

۲۰۱۰ \ ۰۸ \ ۳

شهر اسن – المان



ترا ای نوکر طالب  
ترا ای چاکر جالب  
قلاده بسته بر گردن  
به والله خوب میدانم ،  
میدانم ، به بالله خوب میدانم ،  
به دست کیست ، زنجیرت ،  
به پای کیست ، تقدیرت ،  
به امر کیست ، تحقیرت ،  
به لفظ کیست تفسیرت ،  
به نام کیست تدبیرت ،  
به ساز کیست تزویرت ،  
تو ای بدکار و ، ای بدفعل و ، ای بدماش  
تو ای پاگرد و ، ای مردار خور و کرگس و خُفاش  
که می لولی به سوی طالبان ، ای مرتجع ، چون ماش  
مگر نشنیده ای میشه ، ز مردان دیر پخته آش  
به پای گرد خود نعلی ، زن و با صبر و طاقت باش  
بمان خونسرد ، با صبر و شکیبائی و ، نه زهر سخن می پاش ،  
تو ای پاگرد و ، ای مردار خور و کرگس و خُفاش

مگر از شوربازار و سرِ چوک آمدی و کاسبی داری تو ای فحاش  
 که با الفاظِ بیمعنی و زشت و کوچه بازاری ، دهی پاسُخ ، تو ای قلماش  
 شنو از شاعرِ آواره ، حرفِ حق ، مکن پرخاش ، ای عیاش و ای اوباش  
 مرو از پشتِ طالبها ،  
 مکن پشتی ز کاذبها ،  
 مشو از پیروِ ملا عمر یا ،  
 از همان ملعونِ حکمتیارِ راکتبار و ، غاصبها ،  
 مکن یاری به اشخاصی که بود از چاکران و نوکران ،  
 خاصِ گلبدین و حقانی  
 حقانیِ گردن زن  
 که با بیل و کلنگ و دشنه و چاقو  
 که با چوب و چُماق و نیزه و سیلاوه و خنجر  
 هزار و صد هزاران ، بیگناه انسان  
 سرش از تن جدا گردیده همچون توپ ،  
 در گولِ سیاست وار گردیدست .  
 هزار و صد هزاران ، بیگناه انسان ،  
 یتیم و بیوه و معیوب گردیدست .  
 تو ای پسمانده خورِ طالبان و گلبدینی های وحشی ،  
 نوکرِ ایران و پاکستان ،  
 که ، دایم از پسِ پرده ،  
 به بی شرمی و نامردی ،  
 زمینه سازِ تخریباتِ اشرارند ، تا کی چاکری داری ،  
 به مانندِ حقوقدانیِ که ،  
 ... است و هم استاد و هم داکتر ،  
 میانِ تاجیک و پشتون ، به شدت تفرقه انداز ،  
 و ظرفِ پربهای وحدتِ ملیِّ ما را ، مفت درزی ساز ،  
 سخنهاى خشن پرداز ،  
 همیشه کاسه لیس و هم **فلوته باز**  
 به فاشیستی بسانِ ( **عابدی مولتی میلیونر** ) مقامِ عالی و اول ،  
 میانِ مرد و زن دارد ،  
 روان از پشتِ حکمتیارِ راکتبار و از ملا عمر ، آن کورِ یک چشمه ست ،  
 که بوی ارتجاع از گفته هایش ذهنِ ملت را بسی مزکوم بنمودست .  
 تو ای پسمانده خورِ طالب و بادارِ **گلبدین حکمتیار**  
 چرا بر مادرِ میهن جفا داری ،  
 چرا بر هموطن ، کارِ خطا داری ،  
 چرا روشنگران را ناسزا داری ،  
 چرا هم تاپهٔ تکفیر ، بر مؤمن روا داری ،

برو ، برو قدری ادب آموز  
 ادب آموز و قدری با ادب بنشین و صحبت کن  
 که اخلاق پسندیده ترا جانا سزاوارست  
 ز **گلبدین** و **پلبدین** ، مکن تعریف  
 مگر از یاد بردی ظلم و بیداد و جنایتهای ایشانرا  
 که حتا از دل خشت و ، کلوخ و ، سنگ و چوب و خاک میهن ،  
 تا کنون خونابه میریزد .  
 فضای پاک و صاف مشک بیز کابل زیبا ،  
 بجای مشک و عنبر ، دود و هم باروت می بیزد .  
 غبار ماتم و اندوه و غم ،  
 از کوچه و پسکوچه و از باغ و بستانش همی خیزد  
 فغان و ناله و فریاد مظلومان بلند و ،  
 از در و دیوار و سقف و از زمین و آسمانش ، غصه میبارد  
 تو ای دلال و ای رمال ،  
 نداری اختیار از خود ،  
 به ساز طالبان و گلبدینی های بیمقدار می رقصی .  
 به چندین بار ، از برنامه های مختلف ، آواز نکبتبار تو ،  
 گوش حقیقت را همی آزد  
 صدای ناخراش و ناتراشت بود از اندیشه و مفکوره طالب ،  
 که میگفتی ،  
 میگفتی ، چندین سال شد از ازدواج ما و امریکا  
 که تا اکنون به بیشرمی و پُرروئی ، اندر کشور ما ، **خانه دامادست**  
**گدا آسوده ، مسجد گرم و ، جای خواب ، خیلی نرم ،**  
 به بیشرمی همی گوئی ، تقاضای طلاق از ما و حکم رد ز امریکااست ،  
 گروهی با تو هم آواز و پیش پا نظر دارند ،  
 به دُور هرگز نیندیشیده ، میگویند ،  
**طلاق خویش را باید ز امریکا گرفت و زود در عقد عربها رفت**  
**و یا در عقد پاکستان ،**  
**و یا در صیغه ایران ،**  
**و یا در عقد پاکستان و هم ، در صیغه ایران ،**  
 درائیم و یکی **مولود نو زائیم** ،  
 به حکم و امر بادران ،  
 چو حقانی و گلبدین و چون ملا عمر ، آن کور یک چشمه ،  
 و یا چون ( **عابدی مولتی میلیونر** )  
 چه گفتار قبیح و زشت و بیمعنی  
 وطنداران !  
 وطنداران ! همه هشیار و ، از خواب گران خیزید

که ملا های لنگ و ،  
 گلبدینی های دنگ و ،  
 طالبان لات و بی فرهنگ  
 به روی شیشه ناموس وحدت ، می زنند ، با سنگ  
 که تا ، در بین تاجیکها و پشتونها ،  
 میان شیعه و سنی ، بیندازند دایم جنگ  
**پلان شوم دالخوران پاکستان و ،**  
**چال و فتنه و مکر و فریب دولت نامردی آخوندی ایران ،**  
 چنین یک دنده ئی ها را ،  
 بمثل ( عابدی مولتی میلیونر ) ،  
 ( حقانی بد اختر ) ،  
 و غیره غیره بار آورد  
 که تا بر نارسای قامت بدفوکس و زشت و ،  
 همچنان شرم آور و ننگین هریک ، از پلانهای که ،  
 عاجز خامه از تحریر و ،  
 قاصر از بیان کردش زبان ،  
 لباسی از حریر و مخمل و اطلس ، بپوشانند ،  
**وطنداران ! همه هشیار و ، از خواب گران خیزید**  
**که ملا های لنگ و**  
**گلبدینی های دنگ و**  
**طالبان لات و بی فرهنگ**  
**به روی شیشه ناموس وحدت ، می زنند ، با سنگ**  
**که تا ، در بین تاجیکها و پشتونها ،**  
**میان شیعه و سنی ، بیندازند دایم جنگ**